

### یادداشت

## پوست چه کسی در این بازی کنده می‌شود؟\* استاد یا دانشجوی دکترا

### کامران شریفی

دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد

وزیر محترم علوم دو مسئله استراتژیک درباره دانشجویان دکترا مطرح کرده است؛ یکی تسهیل مقررات آموزشی، ازجمله اجازه دفاع از پایان‌نامه و رساله‌های تحصیلات تکمیلی بدون الزام به ارائه مقاله برای کاهش فشار بر دانشجویان و دیگری، کوتاه‌کردن دوره‌های آموزشی که هر دو از مسائل استراتژیک هستند و اعضای هیئت‌علمی به‌جد باید به آن توجه کنند. موضوع این جستار، پیشنهاد اولی است. از سال ۱۳۷۹ دانشجوی دوره دکترا ملزم شد که برای نیل به دانش‌آموختگی، بسته به رشته و محل تحصیل، یک یا چند مقاله منتشر کند. به دنبال آن، یکی از معیارهای تخصیص اعتبار و بودجه پژوهشی دانشگاه‌ها و نیز استادان، تعداد مقالاتی قرار گرفت که براساس معیارهای مجله‌سنجی منتشر می‌کنند. وقتی مقاله نظری یا مقاله مبتنی بر کار تجربی، میدانی یا آزمایشگاهی تهیه می‌شود، اگر قرار است یک کار پژوهشی باکیفیت، منطبق بر معیارهای علمی، مطابق با مأموریت و چشم‌انداز دانشکده و دانشگاه، نیاز جامعه و در راستای افزایش تولید ناخالص داخلی کشور انجام و به صورت یک مقاله در مجلات معتبر ثبت شود، بدون تردید پوست دانشجو باید کنده شود. حال پس از انجام کار و تدوین مقاله، باید آن را به یک مجله معتبر فرستاد که مقالات را برای داوری به هم‌قطاران و هم‌ردگان در همان رشته می‌سیارد. بسته به رشته و مجله و براساس ضریب‌ات نگارنده، دست‌کم شش ماه داوری طول می‌کشد و اگر مقاله مردود شود، دوباره باید وارد چرخه ارسال به مجله دیگر و داوری شود. در مواردی دو سال طول می‌کشد که اولین مقاله یا مقالات حاصل از یک کار پژوهشی به مرحله انتشار برسد. استاد برای تسهیل ترفیع و ارتقا و برای برآوردن انتظارات دانشگاه، مجلات با رتبه بالا را انتخاب می‌کند. اما گذر زمان به ضرر چه کسی است؟ پوست چه کسی باز در این بازی کنده می‌شود؟ یادآوری این نکته لازم است که در سال ۱۳۷۹، دانشجویان دوره دکترا عمدتا بورس بودند و حقوق دریافت می‌کردند؛ مزیتی که امروزه از بین رفته است.

از طرف دیگر، استاد سرپرستی چند دانشجوی دیگر را بر عهده دارد و حقوق ماهانه‌اش را دریافت می‌کند، اما دانشجوی دکترا باید روزانه چشم به سایت مجله داشته باشد تاکی مقاله از مرحله داوری به مرحله تصمیم‌گیری می‌رسد. آیا وزارت، حقوقی برای دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و دکترا پیش‌بینی کرده است که او را وادار به رسوب در این مرحله می‌کند؟ میزان رسوب دانشجویان دوره دکترا در خوابگاه‌ها اگر واریسی شود، یک سند برای این اشکال بزرگ است و برخی از دانشگاه‌ها در این مورد دچار مشکل‌اند. در ادامه اگر چاپ مقاله در چند بار رفت و آمد بین مجلات طول بکشد، دانشجو دچار معضل سنوات شده و باز جریمه می‌شود و پوستی دیگر از دانشجو و قریب به یقین از پدر و مادر دانشجو کنده می‌شود.

چه پوستی از استاد درگیر این بازی است؟ یکی واحدهای موظف و دیگری آورده پژوهشی است، بنابراین منطق کار حکم می‌کند که تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا با بود تا آورده‌های پژوهشی افزایش یابد و باز به علت کثرت دانشجویان دوره دکترا در خوابگاه‌ها اگر واریسی است، بار اصلی انتشار مقاله به گردن دانشجو می‌افتد؛ چون پوستش در این بازی گیر است، گذر زمان، برخلاف استاد، به ضررش است. تالی فاسد آن بروز اجتناب‌ناپذیر تقلب علمی است که دو قله آن یکی در ۲۰۰۹ از سوی مجله نیچر و دیگری در ۲۰۱۶ (با اعلام ابطال ۵۸ مقاله از ایران) آشکار شد و البته همچنان با قدرت ادامه دارد. یکی از شرکدها در آن زمان، ارسال مقالات به مجلات و معرفی داوران معتبر با جعل پست الکترونیکی آنان بود که به نام داور معتبر، خود به داوری مقاله خود مشغول شوند. ناشران متوجه این تقلب شدند و مقالات را باطل کردند. این شرگرد همچنان ادامه دارد.

در صحبت وزیر محترم علوم حکمت بزرگی نهفته است، اما حکمت باید پشتوانه قانونی قوی به صورت تشخیص دوغ از دوشاب داشته باشد. اولاً، پوست استاد بیشتر از دانشجو گیر باشد؛ زیرا مسئولیت اصلی با وی است، دوم، کیفیت باید کمیت باشد و تمامی مقالاتی که به صورت فله‌ای منتشر می‌شوند، باید بازبینی شوند و استنادی که در مقابل تقلب سهل‌انگاری کرده‌اند، بازخواست شوند و اگر خود مرتکب تقلب شده باشند، هیچ مماشاتی صورت نگیرد.

یک راه چاره، تسهیل کار دانشجویان است؛ به این شکل که رساله دکترا توسط کمیته ارزیابی دانشگاه، مرکب از افراد متعهد به علم و استخوان‌دار، ارزیابی شود و اگر تشخیص دادند که نتایجج «در حد انتشار علمی» (Publishable quality) است، مجوز دانش‌آموختگی صادر شود. به این ترتیب، پوست استاد در انتشار واقعی مقاله بعد از فراغت از تحصیل دانشجو گیر می‌افتد و تا زمانی که مقاله را منتشر نکرده، نباید مجاز باشد دانشجوی دیگری بگیرد. این مدل در دانشگاه‌های اسکاندیناوی، آلمان و بسیاری از دانشگاه‌های بریتانیا دیده می‌شود. اگر دانشجو خواست که وارد بازار کار در جامعه یا سربازانی شود، دیگر مانعی ندارد، اما اگر خواست به‌عنوان عضو هیئت‌علمی یا پژوهشگر استخدام شود، یک شرط آن داشتن دست پری از مقاله یا مقالات منتشره باکیفیت عمدتا از رساله دکتری خود باشد؛ نه اینکه مقالات فله‌ای که معلوم نیست چگونه تهیه شده‌اند ارائه کند. به این ترتیب، مشکل بزرگی از وزارت علوم و دانشگاه‌ها حل می‌شود.

در کتاب «خوشه‌های خشم» جان اشتاین بک، کشیش به مخاطبش می‌گوید: «من استعداد راهنمایی‌کردن مردم را دارم، اما به کجا راهنمایی‌شان کنم نمی‌دانم». در غیاب یک تئوری توسعه علمی، کلام کشیش در موارد درخور توجهی در دانشگاه‌ها مصداق دارد.

✦ **با الهام از کتاب «پوست در بازی» به قلم نیکلاس نسیم‌طالب**

### طرح مجلس برای تنگه هرزم

مسئله این نیست که حقوق بین‌الملل باید رعایت شود یا خیر، مسئله این است که حقوق بین‌الملل می‌تواند حداقل مامن و ملجا بسیاری از کشورهای متوسط و کوچک باشد. به‌علاوه در شرایطی که ایران به‌رغم قانونی‌بودن غنی‌سازی با مشکلات عظیمی در بیست‌وچند سال گذشته مواجه بود، ضروری است که قبل از هر اقدامی به‌طور جدی بررسی شود که آیا پوشش حقوقی کافی برای اعمال حاکمیت یک‌جانبه بر تنگه هرمز فراهم است یا خیر و آیا طرح مدنظر مجلس با قوانین ایران مطابقت دارد یا خیر. مسئله مهم‌تر این است که می‌خواهیم از طریق تفاهم و در چارچوب قانون به هدف خود برسیم یا از طریق معادلات قدرت که می‌تواند زمینه‌ساز تنش‌های بیشتر شود.

### گزارش «شرق» از پیگیری‌های ناکام برای دستگیری عامل اصلی کشته‌شدن محیط‌بان «هدایت دیده‌بان»

## در جست‌وجوی قاتل نگهبان «خائیز»

**همسر «هدایت دیده‌بان»؛ اگر از نیروهای بومی استفاده می‌کردند، تاکنون قاتل دستگیر شده بود.**

### برای پیگیری پرونده، کفش آهنین به پا کرده‌ام



زینب رحیمی؛ سیزدهم خرداد امسال اولین سالگرد کشته‌شدن محیط‌بان «هدایت‌الله دیده‌بان»، رئیس منطقه حفاظت‌شده خائیز، زیستگاه حساس حیات وحش در مرز دو استان خوزستان و کهگیلویه‌وبویراحمد است. یک سال از قتل محیط‌بان می‌گذرد اما هنوز قاتل اصلی دستگیر نشده است. بنا بر اطلاعاتی که تاکنون منتشر شده با به دست آمده، سه نفر در قتل محیط‌بان دیده‌بان شراکت داشته‌اند که دو نفر از آنها دستگیر شده‌اند، اما قاتل اصلی هنوز متواری است. قاتل هدایت دیده‌بان مرد جوانی است به نام «فردین سیاسی» از اهالی بهبهان؛ شکارچی سابقه‌داری که پس از مواجهه با هدایت دیده‌بان درحالی‌که هدایت هنوز در خودروی سازمانی نشسته بود، از فاصله نزدیک، گلوله‌ای با سلاح کلاشنیکف به ناحیه سر محیط‌بان شلیک می‌کند. هدایت در همان لحظه زخمت و داخل خودرو به شهادت می‌رسد. قاتلان پس از به قتل رساندن محیط‌بان دیده‌بان، اسلحه سازمانی و سایر تجهیزات انفرادی او را هم بروده و متواری می‌شوند. روز ۱۶ خرداد ۱۴۰۴ یعنی سه روز بعد از کشته‌شدن محیط‌بان دیده‌بان، یکی از قاتلان در محل اختفای خود دستگیر و سلاح و تجهیزات دزدیده‌شده محیط‌بان هم در آنجا کشف می‌شود. بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده، او به قتل محیط‌بان اعتراف کرده، مدتی بعد هم نفر دوم دستگیر می‌شود. هر دو متهمان در حال حاضر در زندان اهواز به سر می‌برند، اما نفر سوم و اصلی همچنان فراری است. در ادامه همین ماجرا، در تاریخ ۲۲ خرداد سال گذشته عکس و هویت قاتل اصلی یعنی «فردین سیاسی» با وجود نهادهای قضایی در تعدادی از رسانه‌ها منتشر و از شهروندان درخواست می‌شود که در شناسایی و بازداشت قاتل محیط‌بان همکاری کنند، اما با گذشت یک سال از قتل، هنوز خبری از دستگیری او نیست.

**کفش آهنین پوشیده‌ام**

دستگیرنشدن قاتل اصلی، موضوعی است که به‌شدت «نسترن منصورینژاد»، همسر محیط‌بان «هدایت‌الله دیده‌بان» را تحت تأثیر قرار داده است… او که به قول خودش کفش آهنین به پا کرده تا در مسیر رفت و آمد به دادسرا و کلانتری خسته شود و از پا درنیاید، از نیروی انتظامی بهبهان گلایه می‌کند و به «شرق» می‌گوید: «اگر از نیروهای بومی استفاده می‌کردند تاکنون قاتل دستگیر شده بود. مطمئن باشید اگر این اتفاق برای یکی از همکاران هدایت می‌افتاد، هدایت صداره قاتل را دستگیر کرده بود». نسترن که همچنان از فقدان همسرش رنج بسیار می‌برد، ادامه می‌دهد: «هنوز ساعت‌ها گریه می‌کنم و تا زمانی که قاتل دستگیر نشود دست از پیگیری برنمی‌دارم. در یک سال گذشته به‌طور مرتب به کلانتری و دادسرای بهبهان سر زده‌ام، اما مدام می‌گویند ما خودمان بگیریم، اگر خبری شد اطلاع می‌دهیم. چطور چنین چیزی ممکن است؟ از کشته‌شدن هدایت عزیزم یک سال گذشته ولی هنوز قاتل را نگرفته‌اند. این موضوع من را شدیداً رنج می‌دهد».

**قاتل دیده شد**

«نسترن منصورینژاد» در پاسخ به این ابهام که آیا امکان دارد تاکنون قاتل از ایران خارج شده باشد؟ می‌گوید: «بعضی‌ها قاتل را با چشم خودشان دیده‌اند که در منطقه پرسه می‌زند. او را در ارتفاعات دیده‌اند. اگر هدایت بود حتما او را دستگیر کرده بود». امیرحسین شمس، مدیرکل حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط زیست نیز در پاسخ به این پرسش که چرا هنوز فردین سیاسی، قاتل اصلی محیط‌بان دیده‌بان، دستگیر نشده است، به «شرق» می‌گوید: «متأسفانه با وجود تأکید ویژه سردار رادان، فرمانده نیروی انتظامی و خانم انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، هنوز قاتل محیط‌بان دستگیر نشده است».

**پیگیری‌های بی‌نتیجه**

دستگیرنکردن قاتل آن هم با وجود گذشت یک سال از قتل، موضوع را عجیب و پیچیده کرده، اما مدیر حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست معتقد است بعضی وقت‌ها کار گیر می‌کند. او می‌گوید: «به نظرم دستگیرنکردن قاتل عجیب نیست. طرفمان آدم نفاقالی است، چون با توجه به تمام فشاری که آمده هنوز دستگیر نشده است. اطلاع دارم سردار رادان دو، سه بار با فرماندهی نیروی انتظامی استان راجع به این موضوع صحبت کرده، ولی متأسفانه هنوز به نتیجه نرسیده است». شمس با بیان اینکه خودش هم با مسئولان آگاهی بهبهان درباره دستگیری قاتل محیط‌بان دیدهبان صحبت کرده، می‌گوید: «با وجود همه تلاش‌هایی که می‌کنند، نمی‌دانم چرا گیر کرده‌اند. به قول برخی از همین مأموران، ممکن است در خانه‌ای در همین نزدیکی در همین بهبهان باشند، اما هنوز امکان دستگیری میسر نشده است. امیدوارم به‌زودی دستگیر شود و به سزای عملش برسد».

**احراز شهادت سه محیط‌بان**

شهادت محیط‌بان «هدایت‌الله دیده‌بان» که خرداد سال گذشته در درگیری با شکارچیان متخلف و با تیر مستقیم آنها کشته شده بود، دوم خرداد امسال بعد از گذشت حدود یک سال احراز شد، اما محرزشدن شهادت محیط‌بانان به موضوعی پیچیده برای یگان حفاظت محیط زیست کشور تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که در اغلب موارد، خانواده‌ها و بازماندگان این افراد را به زحمت و سختی بسیار می‌اندازد. علاوه بر این، به‌تازگی شهادت دو محیط‌بان کشته‌شده دیگر یعنی محیط‌بان «کاظم مصدق» و محیط‌بان «محمود شهمرانی» که هر دو از محیط‌بانان پارک ملی گلستان بودند، محرز شد. در این مورد، «مهدی برزانه»، مسئول پیگیری امور اینتاگران سازمان حفاظت محیط زیست، به «شرق» می‌گوید: «در دولت چهاردهم سه شهید محیط‌بان داشتم که شهادتشان در سال ۱۴۰۴ اتفاق افتاده بود. هر سه این پرونده‌ها خاتمه یافت و شهادت این محیط‌بانان محرز شد».

**همه حوادث محیط‌بانی در قانون پیش‌بینی نشده**

او با اشاره به اینکه از ۹۷۵ مدل حوادت جمع‌بندی‌شده در دنیا تنها ۳۴ مورد در کشور ما به تأیید و تصویب رسیده است، توضیح می‌دهد: «قوانین و مقررات قابل استناد در موضوع احراز شهادت و جانبازی تصویب‌نامه شماره ۲۵۸۲۵هـ ۴۹۱۸ر ت، ۲۴ اردیبهشت سال ۱۳۹۳ هیئت وزیران است که از سوی نهادهای متولی پیشنهاد و به تصویب رسیده است. بر این اساس، پرونده‌های محیط‌بانان حادثه‌دیده‌ای که در مواجهه با متجاوزان به حقوق عامه، شکارچیان غیرمجاز یا قاچاقچی و حین مأموریت با اصابت گلوله زخمی یا جان خودشان را از دست بدهند، با توجه به نظر و بررسی کمیسیون‌های احراز شهادت و جانبازی سازمان بنیاد شهید و امور اینتاگران در صورت پذیرش و تأیید، مشمول خدمات ارائه‌شده به جانبازان و شهدا می‌شوند».

**رد۱۲۰ پرونده محیط‌بانی**

به‌طور معمول احراز جانبازی یا شهادت محیط‌بانان با مواعع متعددی روبه‌رواست، گاه این روند چند ماه یا حتی چند سال طول می‌کشد یا حتی گاهی اصلا محیط‌بان کشته‌شده به‌عنوان شهید اعلام نمی‌شود. بنا بر گفته مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، «نکته مهم این است که نوع حوادث مرتبط با مأموریت یگان‌های محیط زیست کشور متفاوت از موضوعات مندرج در قوانین کلی است و به همین دلیل در حدود ۱۲۰ پرونده احراز شهادت، پیش از این و براساس بررسی کمیسیون‌های ذکرشده، غیرقابل تطبیق یا تصویب‌نامه‌مذکور اعلام شده است». بنا به گفته‌های مسئول پیگیری امور اینتاگران سازمان حفاظت محیط زیست، مواردی مانند حمله به محیط‌بانان با سلاح سرد، سوختگی در حین خاموش‌کردن آتش‌سوزی‌ها، سقوط از ارتفاعات در کوهستان حین مأموریت، تصادف و واژگونی خودرو حین تعقیب و گریز، صدمات ناشی از حمله جانوران وحشی و گزیدگی، خفگی، غرق‌شدن، انفجار تجهیزات اطفای حریق و… مواردی است که برای اضافه‌شدن آن به مصدابق اشاره‌شده در قوانین کلی و تصویب‌نامه‌ها تلاش‌های زیادی صورت گرفته، اما نظر نهادهای متولی تصویب قانون درمورد آن این است که قوانین فعلی تأمین‌کننده مأموریت‌های مطرح در حوزه محیط زیست برای احراز شهادت و جانبازی محیط‌بانان است و این از جمله مواردی است که باعث شده ما با حجم وسیعی از درخواست‌ها مواجه باشیم». او این‌طور ادامه می‌دهد: «گاهی سازمان حفاظت محیط زیست را بدون دلیل موجه، مقصر احرازنشدن شهادت یا جانبازی محیط‌بانان می‌دانند، درحالی‌که مستندات، رای دادگاه، رعایت فرایند ارائه مدارک مندرج در بخش‌نامه‌های احراز و تصویب‌نامه صادرشده از سوی نهادهای متولی ضامن موضوع تأیید احراز است. نکته دیگر این است که در بسیاری از موارد و

### خبرخوان

### ابتلای ۵۷۷۷ نفر به تب‌دنگی در کشور



**ایلنا:** رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از ابتلای ۵۷۷۷ نفر به تب دنگی در کشور از ابتدای سال جاری تا هشتم خرداد خبر داد. قباد مرادی، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت درباره تازه‌ترین آمار مبتلایان به تب دنگی در کشور گفت: «از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا هشتم خرداد ۱۴۰۵، ۵۷۷۷ مورد کل موارد ابتلا به بیماری دنگی بوده که شامل ۵۶۱ مورد انتقال محلی و ۱۶ نفر وارده از پاکستان بوده است».

او افزود: «چاپه‌بار با ۵۶۸ بیمار، بیشترین تعداد مبتلایان به تب دنگی را به خود اختصاص داده است؛ از این تعداد، ۵۵۳ نفر به‌صورت محلی مبتلا شده‌اند و ۱۵ نفر نیز سابقه ورود از پاکستان داشته‌اند. همچنین در ایران‌شهر سه مورد ابتلا گزارش شده که یک نفر وارده از پاکستان و دو نفر نیز سابقه سفر به چاپه‌بار داشته‌اند».

مرادی افزود: «در بندرعباس یک مبتلا و در زاهدان نیز پنج نفر مبتلا گزارش شده است که همگی سابقه سفر به چاپه‌بار داشته‌اند. هیچ فوتی در سال جاری بر اثر این بیماری گزارش نشده، اما موارد ابتلا در شهر چاپه‌ار نسبت به دوره مشابه سال گذشته بسیار بیشتر بوده است». رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت به مردم توصیه کرد که نکات بهداشتی برای پیشگیری از این بیماری را رعایت کنند.



**مراسم سی و هفتمین سالگرد بزرگداشت رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی**

**حضرت امام خمینی(س)**، با عید بزرگ غدیر مصادف شده و بر همگان روشن است که نهضت تاریخ‌ساز امام از آغاز تاکنون برگرفته از سرچشمه زلال ولایت مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه هدی سلام الله علیهم و بزرگداشت امام جلوه‌ای از میثاق ملت شریف ایران با مکتب ولایت است؛ وامسال در حالی برگزار می‌شود که ایران اسلامی و ملت‌های آزاده داغدار خلف صالح آن بزرگمرد الهی و شاگرد شجاع مکتب او – شهید آیت‌الله العظمی امام سید علی حسینی خامنه‌ای – است.

**ملت ایران در فاصله مراسم ۱۴ خرداد ۱۴۰۴ تا امروز یک جنگ تمام عیار با دشمنان آمریکایی و صهیونیستی و هم‌پیمانان آنها را پشت سر گذاشته و هم اکنون در میانه یک نبرد عظیم دیگر است. متأسفانه دشمنان پلید و شقاوت‌سرشت در این دو نبرد رهبر و مقتدا و جمع زیادی از فرماندهان بی‌نظیر و شجاع و رزمندگان و عزیزان غیرنظامی، خصوصاً کودکان معصوم میناب و تنی چند از فرهیختگان عرصه علم و سیاست و دین را از ما گرفتند و در حوادث کودتاکگونه دی‌ماه نیز داغدار صدها تن از هم‌وطنان خود شدیم. اما علی‌رغم تمام این دشواری‌ها، حضور یکپارچه و هوشمندانه ملت ایران قریب ۱۰۰ شب در خیابان‌ها و میادین ترجمان آیه شریفه «أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْنَ قَ فُرادی» است که امام بزرگوار در نخستین بیانیه سیاسی خود در سال ۱۳۲۰ آن را مبنا و اصل هدف مبارزات خود بیان فرمودند.**

**امروز جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان و به خصوص در میان آزادگان و مستضعفان عالم به لطف الهی و به واسطه حضور آگاهانه مردم و دفاع جانانه نیروهای مسلح مقتدر آوازه و محبوبیت بی نظیری یافته است. این موقعیت تحقق آرمان بلند امام در الگوی الهام‌بخشی ایران اسلامی و از اهداف ثابت رهبر شهیدمان حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است.**

**در چنین شرایطی برگزاری مراسم بزرگداشت امام خمینی(س) بسیار با اهمیت و تعیین‌کننده و حضور پرشور مردم مرهمی برداغ‌ها و مصیبت‌ها خواهد بود؛ چرا که حضور مردم در حوادث تلخ و شیرین و بحران‌ها، توصیه دائمی امام کبیر و رهبر شهید انقلاب اسلامی بوده است.**

**ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی(س) ضمن عرض تسلیت به شما مردم شریف ایران در ماتم و عزای امامین انقلاب و تبریک عید سعید غدیر و حمایت از دولت فداکار و خدمتگزار و همه مسئولین عالی‌رتبه نظام و آرزوی سلامتی و توفیق برای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای مدظله العالی اعلام می‌دارد: **مراسم سی و هفتمین سالگرد بزرگداشت امام خمینی(س) صبح روز پنجشنبه ۱۴ خرداد از ساعت ۹ تا ۱۱ در حرم مطهر با قرائت قرآن و با حضور مداحان اهل بیت علیهم السلام و پخش پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی و حضور شورانگیز و مضاعف میلیونی مردم و موکب‌داران میادین بر پا می‌شود و علاوه بر تهران در سراسر کشور نیز میادین و مراکز اصلی در شب و روز ۱۴ خرداد و در روزهای منتهی به آن شاهد میثاق عاشقان با امامین انقلاب و بیعت با مقام معظم رهبری خواهد بود.****

**ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی(س)**